

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: رضا نفاعی

۱۵ جولای ۲۰۲۰

سی سال پس از فروپاشی خوشباوری های فروپاشیده



سه دهه پس از تغییر بنیادین خط مشی سیاسی، امروز بسیاری از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی به نخبگان حاکم برخورد، به رسانه ها و به دموکراسی لیبرال ظنین هستند.

آیا این کشورها اینک به اشکال حاکمیتی اقتدارگراتر باز می گردند؟

بروکسل: ما با مشکلی روبه رو هستیم! ۳۰ سال پس از فروپاشی اتحاد شوروی و دولت های سوسیالیستی شرق اروپا، به نظر می رسد اروپای شرقی اعتقاد به دموکراسی لیبرال را از دست می دهد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱، کشورهای پیمان وارسای سابق ستاره دموکراسی لیبرال را دیدند و راه رسیدن به آن را در پیش گرفتند.

به مردم امید داده می شد که تمام آن آزادی ها و حقوقی را که کمونیسم به آنها اعطاء نکرد، از این پس درو خواهند کرد. البته ناگفته نماند افراد زیادی از توافقنامه های سیاسی جدید به سودهای قابل توجهی دست یافتند.

اما بسیاری از شهروندان اروپای مرکزی و شرقی که به تجربه منحصر به فردی دست یافته اند که عبارتست از تجربه زندگی کردن در دو نظم کاملاً متفاوت، اینک با مشکلات ذاتی «لیبرال دموکراسی» روبه رو می شوند و می توانند آنها را بسیار آسانتر بشناسند.

(در نظرسنجی GLOBSEC اتاق فکری مستقر در اسلواکی با تمرکز بر «امنیت جهانی»، برای سنجش نگرش عمومی در ۱۰ کشور اروپای مرکزی و شرقی (کشورهای بالتیک، اتریش، پولند، جمهوری چک، هنگری، اسلواکی،

بلغارستان و رومانی) در مورد درک آنها از وضعیت لیبرال دموکراسی در کشورهای مربوطه صورت گرفت، همه چیز دیده می شد جز ابراز شور و شغف.



دموکراسی لیبرال و نارضایتی از آن

به عنوان نمونه نگاهی می افکنیم به ادراک عمومی از نهاد های دموکراتیک. در حالی که اکثر پاسخ دهندگان اظهار داشتند که از انتخابات و حضور احزاب متعدد در نظام دموکراسی لیبرال حمایت می کنند، تنها ۴۰ درصد اظهار داشتند که از دموکراسی در کشور خود راضی هستند. ۸۶ درصد از مردم در اتریش (تنها کشور حاضر در نظرسنجی که گذشته کمونیستی ندارد) از نظام حاکم بر کشور خود راضی بودند و این بالاترین مرتبه رضایت در نظر سنجی بود. اما در انتهای دیگر این طیف، تنها ۱۸ درصد از بلغارها از نظام حاکم ابراز رضایت کردند. در ۸ کشور باقیمانده، کمتر از ۵۰ درصد از مردم از نظام حاکم راضی بودند.

آنچه در این نظر سنجی به ویژه جلب توجه می کرد وابستگی شدید بین دیدگاه پاسخ دهندگان به دموکراسی لیبرال و دریافت آنها از خوشبختی شخصی بود. به طور متوسط، ۸۳ درصد کسانی که از لیبرال دموکراسی حمایت می کنند از زندگی شخصی خود راضی هستند.

این می تواند نشان از آن باشد که افرادی که می توانند از تمام مزایای مادی یک سیستم لیبرال دموکراتیک مبتنی بر نظم اقتصادی سرمایه داری بهره مند شوند، احتمالاً کاستی های نظامی را که در آن زندگی می کنند ببخشند یا نبینند.

اما حتی پاسخ به سوال اعتماد به احزاب سیاسی نیز، تصویر چندان دوستانه تری عرضه نمی کند. به طور متوسط، ۷۲ درصد از پاسخ دهندگان از بدگمانی خود به این ساختارها سخن گفته اند و این روحیه با کاهش اشتیاق رأی دهندگان به احزاب سنتی در بخش های وسیعی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی مطابقت دارد. دلایل چنین نگرشی از کشور به کشور دیگر متفاوت است و ممکن است بازتاب اختلافات دیرینه با بروکسل باشد.

به عنوان مثال، حزب حاکم (حق و عدالت (PiS) در پولند اخیراً با خشم دادگاه اتحادیه اروپا مواجه شد زیرا: دولت در وارسا به دیوان عالی پولند «اختیارات ویژه» داد تا بتواند قضاوت مخالف دولت را تحت پیگرد قانونی قرار دهد. از سوی دیگر در بروکسل اعلام شد که این تصمیم با اصول دموکراتیک مطابقت ندارد پاسخ وارسا به اختصار این بود: «مواظب امور مربوط به خود باشید». دیوان عدالت اتحادیه اروپا مجاز به قضاوت در مورد ارگانهای قانون اساسی کشورهای عضو نیست، چه رسد به تعلیق آنها. حکم امروز یک عمل غاصبانه (تصرف عدوانی) است که حاکمیت

پولند را نقض می کند. نمونه دیگر از چگونگی رفتار بروکسل در برابر اعضای اتحادیه اروپا و نشان دادن زورمندی قانونی خود به آنها برخوردش با هنگری و تحریم هنگری توسط پارلمان اروپا است. به دلیل موضع گیری شدید آن علیه سازمان های غیردولتی و رسانه ها .

دولت نخست وزیر هنگری ویکتور اوربان ، که نمادی از جناح راست حزب ناسیونالیست « فیدز » است که این حرکت بروکسل را «انتقام تنگ نظرانه» از تلاش های او برای جلوگیری از عبور مهاجران غیرقانونی از طریق قلمرو کشور خود در مسیر غرب اروپا توصیف کرد. در عین حال ، کشورهای اتحادیه اروپا با پیروی از این شیوه تعهد خود را نسبت به پروژه دموکراتیک «اتحادیه اروپا» ، پروژه ای که هر روز کمتر دموکراتیک به نظر می رسد ، زیر سؤال می برند. اینگونه درگیری های منظم باعث ایجاد تنش بین دو اردوگاه طرفداران اروپا و اردوگاه بدگمان ها به اتحادیه اروپا می شود. در واقع ، درک منفی از این نوع رفتار ، بسیاری از انگلیس ها را بر آن داشت تا از Brexit حمایت کنند.

بحران مهاجرت باعث بی اعتمادی می شود

در اینجا باید تأکید شود که در واقع مهاجرت غیرقانونی برای بیشتر کشورهای اروپای مرکزی و شرقی یک مشکل اساسی است و گرچه اتریش تنها کشوری بود که بی واسطه با بحران مهاجران مواجه بود، اما از مواجه شدن با بحران مهاجران کمتر دچار هراس شد تا کشورهایی که مرزهای خود را به روی مهاجران بستند. نویسندگان این نظرسنجی نتیجه گرفتند که دولتهای اروپای مرکزی و شرقی که دست به کارزارهای ضد مهاجرتی زده اند کشورهای خود را «بسته تر و رواداری (تولرانس)» را محدود تر ساخته اند.

از قضا این نتیجه گیری به تثبیت بدبینی سیاسی که امروزه در بیشتر کشورهای اروپای شرقی رواج دارد ، کمک می کند. نویسندگان این تحقیق این اصل مهم را نادیده می گیرند که کشورها باید در تعیین چگونگی برخورد خود با مهاجرت آزاد باشند، بدون این که خواسته یا ناخواسته «کم تحمل» نامیده شوند . از این گذشته، همه کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از منابع اتریش برای مقابله با هجوم مهاجران برخوردار نیستند

در بین کشورهایی که در این نظرسنجی قرار داشتند ، فقط در لتونی اکثریت پاسخ دهندگان گفتند که به رسانه های اصلی اعتماد دارند. سایر پاسخ دهندگان به عاملان ایالتی و الیگارشیشان اشاره می کردند که در پشت صحنه مشغول دستکاری در متن اخبار و اطلاعات هستند.

راشا تودی

آینده ما